

مفهوم متفاوت ضرر در خسارات زیست محیطی با مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی^۱

سمیه طاهری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

سید حسن حسینی مقدم^۲

استادیار حقوق خصوصی، عضو هیات علمی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

مهدی فلاح

استادیار حقوق خصوصی، عضو هیئت علمی واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

چکیده

یکی از موضوعات جدیدی که در دهه‌های اخیر به آن پرداخته شده، حق بر محیط زیست سالم است. محیط زیست، به تمام محیطی اطلاق می‌شود که انسان احاطه کرده و زندگی، فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد. خسارت به این حق، بر خلاف بسیاری از حقوق دیگر جنبه شخصی نداشته و می‌تواند آثار زیانبار جمعی و جهانی داشته باشد. چنانکه کمیسیون اروپا در اسناد خود گرایش‌های متفاوتی در این خصوص داشته است و در لایحه ۲۰۰۰ خود دو نوع خسارت قابل مطالبه پیش بینی کرده: ۱. خسارت زیست محیطی که در برگیرنده خسارت وارد بر تنوع زیستی، آب و محوطه‌های آلوده است ۲. خسارت سنتی که همان خسارت وارد بر اشخاص و اموال است. حال اینکه مفهوم خسارت وارد بر محیط زیست دارای چه خصوصیتی می‌باشد که متفاوت از مفهوم ضرر وارده با سایر موارد در جامعه و اشخاص است؟ با عنایت به این موضوع، در مقاله حاضر، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی در اسناد داخلی و بین‌المللی به موضوع پرداخته شده است. مقصود از ضرر در خسارات زیست محیطی، به هرصدمه و نقصانی که به محیط زیست وارد آید، اعم از اینکه حال باشد یا آینده، شخصی باشد یا نوعی، مستقیم باشد یا غیرمستقیم، قابل مطالبه جمعی باشد یا فردی، قابل جبران باشد یا نباشد؛ اطلاق می‌یابد. براساس ماهیت و تحول مفهوم ضرر در خسارت زیست محیطی به نظر می‌رسد که اعمال قواعد عام و سنتی روش‌های جبران خسارت زیست محیطی در حوزه حقوق محیط زیست چندان کارایی ندارد و از این رو تدوین نظام جبران خسارت خاص زیست محیطی با رویکرد روش‌های نوین ضروریست.

واژگان کلیدی: محیط زیست، ضرر، ضرر آینده، جبران خسارت، اسناد بین‌المللی

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری سیمیه طاهری با عنوان "مفهوم و قلمروی متفاوت ضرر در خسارات زیست محیطی با مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی" به راهنمایی دکتر سید حسن حسینی مقدم و مشاوره دکتر مهدی فلاح می‌باشد.

۱- نویسنده مسئول: s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir

مقدمه

حقوق زیست محیطی در هیچ طبقه‌بندی یا نسل حقوق بشری نمی‌گنجد و رابطه بین آنها باید از سه زاویه دیده شود. نخست اینکه از حقوق مدنی - سیاسی فعلی برای دسترسی اشخاص به اطلاعات زیست محیطی، مسائل قضایی و روندهای مدنی استفاده شود. دوم داشتن یک محیط زیست سالم، حق اجتماعی و اقتصادی افراد است؛ موضوعی که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مطرح است؛ و سوم اینکه توجه به کیفیت محیط زیست به عنوان حق عمومی و جمعی مردم برای تصمیم‌گیری درباره محیط زیست و منابع طبیعی شان ضروری است (Boyle, 2014: 219). مواد ۱۴ و ۱۵ کلیات سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی در بیان حق بر محیط زیست مقرر می‌دارد: «هر انسان و کلیه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیط سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند». لذا هر عاملی که موجب نقص قوانین و ورود صدمه به محیط زیست گردد، عامل زیان با وجود شرایطی باید درصدد جبران خسارت برآید. از آن جایی که یکی از اهداف مهم هر نظام حقوقی حفاظت از محیط زیستی است که انسان در آن زندگی می‌کند در همین راستا قوانین و مقررات متعددی به منظور جلوگیری از خسارات به محیط زیست چه در سطح بین‌المللی و در سطح داخلی تقنین و به تصویب رسیده است. «فلسفه وجودی مسئولیت بین‌المللی معمولاً در نقض حقوق کشورهای دیگر نهفته است و نقض هر حقی، نوعی خسارت به شمار می‌رود. لذا دیوان بین‌المللی در رأی کانال کورفو بیان داشت که نتیجه وجود مسئولیت، تعهد به پرداخت خسارت است» (فیروزی، ۱۳۸۴: ۲۵).

زیان یا صدمه‌ای که در نتیجه فعل یا ترک فعل اشخاص حقیقی یا حقوقی و یا در اثر بروز حوادث طبیعی به افراد، اموال و یا محیط زیست وارد می‌شود خسارت محسوب می‌گردد. در کشور ما عموم بر نامه‌ها در جهت حمایت از محیط زیست به شکل مجازات می‌باشد و متأسفانه به بحث پیشگیری از جرم کمتر پرداخته شده است (میلانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۱۹). اگر چه منشور حقوق بشر به شکل عجیبی در خصوص حقوق محیط زیست سکوت کرده است اما با تغییر رویکردهای حقوقی به محیط زیست و ورود دغدغه‌های زیست محیطی به حقوق بین‌الملل مسائل جدیدی را مطرح نموده است (حاجی قاسمی اردبیلی، ۱۳۹۸: ۳۳۰). واژه خسارت به فراخور تحولات و پیشرفت‌ها در هر برهه‌ای از زمان و در عرصه‌های مختلف، ابعادی گوناگون یافته است. از آن جمله؛ ماده یک کنوانسیون پاریس مربوط به مسئولیت در قبال شخص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای (۱۹۶۰)، ماده یک بند ۷ کنوانسیون بروکسل در مورد مسئولیت متصدیان کشتی‌های اتمی (۱۹۶۲) و کنوانسیون راجع به مسئولیت بین‌المللی برای خسارات ناشی از اجسام فضایی (۱۹۷۲). در تمام موارد مذکور، خسارت به معنای «سلب حیات، صدمه‌ی شخصی، تلف مال و یا لطمه بدان»، تعریف شده است (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۴). تعاریف مذکور، محدود بوده و آشکارا خسارات زیست محیطی یا اکولوژیکی را از نظر دور داشته است، از طرف دیگر این تعاریف، شکلی خاص از تسلط و ملکیت را در خود نهفته

دارد و بدین خاطر، در شمول عنوان خسارت نسبت به تخریب و انهدام مشترکات جهانی، تردید ایجاد کند. به عنوان مثال کنوانسیون پاریس مربوط به مسئولیت در قبال اشخاص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای بدون توجه به خسارات زیست محیطی یا اکولوژیک خسارت را صرفاً سلب حیات، صدمه‌ی شخصی، تلف و یا لطمه به مال تعریف کرده است. در برهه‌ای دیگر اسناد بین‌المللی در تعاریف خود از واژه خسارت صدمات زیست محیطی را لحاظ می‌نمودند. چنانچه کنوانسیون بین‌المللی لندن راجع به مسئولیت و جبران خسارت برای خسارت در ارتباط با حمل و نقل مواد سمی و خطرناک از طریق دریا، خسارت را شامل «خسارت وارده بر حیات، صدمات وارده بر شخص یا صدمات وارده بر اموال و یا خسارت وارده ناشی از آلوده کردن محیط زیست و هزینه‌های مربوط به اقدامات حفاظتی» می‌داند. بیشتر کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی بین‌المللی که آسیب‌های زیست محیطی را پوشش می‌دهند تعریف یکسان و یا تقریباً مشابهی از خسارت ارائه می‌دهند: خسارت به محیط زیست قابل بازیابی است، اما برای جبران خسارت در محیط زیست به هزینه‌های معقول اقدامات بازسازی محدود می‌شود که در واقع انجام شده و یا باید انجام شوند (زمانی، ۴۸-۴۹). روش تحقیق در این پژوهش روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای چالش‌های پیش رو به موضوع اسناد بین‌المللی در حوزه ضرر و جبران خسارت به اسناد بین‌المللی پرداخته شده است.

مبانی نظری

عموماً تعریف خسارت‌های زیست محیطی در حال تکامل است و آنچه از این تعاریف بدست می‌آید نشان دهنده تفاوت مفهومی خسارت در ضرر و زیان زیست محیطی است که در این مقاله هدف بررسی و مطالعه این تفاوت‌ها و ارائه تعریفی مشخص از خسارت زیست محیطی است. در واقع بدنبال پاسخ به این سوالات اساسی هستیم که ضرر در خسارات زیست محیطی چه تفاوتی با ضرر در سایر خسارات موضوع مباحث مسئولیت مدنی و تعهدات قراردادی و غیرقراردادی دارد و عموماً اثر شناسایی تفاوت در مفهوم ضرر زیست محیطی با سایر خسارات چه کمک موثری بر جبران خسارات وارده بر محیط زیست و حتی جلوگیری از بروز آن دارد؟ در جهت پاسخ به این سوال‌ها باید بیان داشت اساساً در تعریف خسارت، دو معنای عمده برای آن ارایه شده است؛ یکی خسارت به معنای ضرر و زبانی است که شخصی به مال دیگری برساند و دیگری «تاوان» یعنی مالی که زیان زنده، باید به غیر بابت جبران به او بدهد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۸۱۲). از این جهت خسارت در بحث زیست محیطی نیز مرکب از دو بخش شناسایی مفهوم ضرر و چگونگی جبران آن است که برای رسیدن به مفهوم ضرر و جبران آن و همچنین شرایط تحقق آن با محوریت خسارات زیست محیطی، در صدد یافتن تفاوت‌های مفهومی آن براساس اسناد بین‌المللی و رویکردهای آن خواهیم بود.

۱- قلمرو مفهوم محیط زیست^۱

^۱.Environment

محیط زیست ترکیبی است از دو واژه‌ی «محیط» و «زیست». محیط واژه‌ای عربی و اسم فاعل احاطه است که در مقابل «محاط» قرار می‌گیرد (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۸۰۸-۱۸۰۷). از نظر لغوی محیط دو معنی دارد: یکی «فراگیرنده، دربرگیرنده و احاطه کننده» و دیگری «اقیانوس» (عمید، ۱۳۶۲: ۹۳۲). زیست هم واژه‌ای فارسی و مترادف «زندگی»، «زندگانی» و «حیات» است (معین، ۱۳۶۰: ۱۷۷۱ و عمید، ۱۳۶۲: ۵۸۴)؛ بنابراین می‌توان گفت محیط زیست از لحاظ لغوی به معنای محلی است که آدمی را احاطه نموده و قلمرو حیات و زندگی اوست. در مورد تعریف اصطلاحی محیط زیست، مانند بسیاری از واژگان علوم انسانی اتفاق نظر و تعریف واحد وجود ندارد و در قوانین نیز به صراحت مورد تعریف قرار نگرفته است. بعضی از نویسندگان از این که بتوان تعریفی جامع و حقوقی از «محیط زیست» ارائه داد، اظهار تردید کرده‌اند، زیرا حقوق داخلی ایران و بسیاری از کشورها در خصوص تعریف محیط زیست ساکت بوده و بیشتر محیط زیست را در رابطه با عناصر طبیعت، منابع طبیعی، شهر و مناظر به کار برده‌اند. به همین جهت مفهوم محیط زیست از نظر کشورها با توجه به اهمیتی که هر کشور به یکی از عناصر زیست محیطی می‌دهد، می‌تواند متفاوت باشد (فیروزی، ۱۳۸۴: ۱۴).

در همین ارتباط برخی گفته‌اند؛ از نظر لغوی «محیط زیست» به معنی محل زندگی و زیستن است؛ اما در معنای اصطلاحی محیط زیست به محلی اطلاق می‌شود که انسان را احاطه می‌کند (رضوانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۹۳). به عقیده برخی دیگر از نویسندگان «محیط زیست عبارت است از هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبزیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده (شامل کوچه، خیابان، ساختمان، اعم از تاریخی و عادی و کارخانه) و غیره» (بنان، ۱۳۵۲: ۱۴۳). اصطلاح بیوسفر یا لایه‌ی حیاتی که یونسکو آن را به کار می‌برد، با یکی از وسیع‌ترین تعریف‌ها مطابقت دارد که عبارت است از: «محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر، همه‌ی حیات در آن جریان دارد» (یونسکو، ۱۹۸۸: ۱۲۴). در اسناد بین‌المللی هم تعاریف زیادی درباره محیط زیست وجود دارد به طور مثال در کنوانسیون آرهاس^۱ مصوب ۱۹۸۸ محیط زیست اینگونه تعریف شده است: «محیط زیست عبارتست از هوا، هواسپهر، آب، خاک، زمین، چشم اندازها، تنوع زیستی و اجزای آن». کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۲ نیز چنین بیان می‌کند: «محیط زیست جایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم» همچنین شورای اقتصادی اروپا^۳ در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ تعریفی که از محیط زیست بدست داد این است: محیط زیست شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود می‌گردد». بطور کلی با توجه به تعاریف ارائه شده باید بگوییم: «محیط زیست، به تمام محیطی اطلاق می‌شود که انسان احاطه کرده و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد» (قوام، ۱۳۷۵: ۳).

^۱. Aarhus Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-Making and Access to Justice in Environmental Matters.

^۲. World Commission on Environment and Development (WCED)

^۳. European Economic Community (EEC)

۲- مفهوم خسارت زیست محیطی^۱

واژه «خسارت زیست محیطی» اولین بار توسط یکی از حقوقدانان فرانسه به کار گرفته شد که بیشتر بر خسارت‌های با واسطه ناشی از محیط زیست اشاره داشت. بر اساس یک تعریف کلی «خسارت» زیان یا صدمه‌ای است که در نتیجه فعل یا ترک فعل تابعان حقوق بین‌الملل و در اثر بروز حوادث طبیعی به افراد، اموال و محیط زیست وارد می‌شود (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۹۵). بر اساس تعریف کارگروه وابسته به برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد^۲ (UNEP): «خسارت زیست محیطی آن چنان تغییری است که تاثیر مضر قابل سنجش و قابل ارزیابی بر کیفیت محیط زیست یا بر عناصر آن می‌گذارد. خواه این عناصر دارای ارزش تجاری باشند و خواه نباشند. از سوی دیگر خسارات زیست محیطی تغییراتی را نیز شامل می‌شود که بر توانایی آن محیط در جهت تداوم کیفیت قابل قبول و حمایت از حیات و تعادل زیست محیطی پایدار اثرات سوء می‌گذارد» (شاه حسینی و مشهدی، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

به موجب بند ج ماده ۱۰ کنوانسیون مسئولیت مدنی برای خسارات ایجاد شده طی حمل کالاهای خطرناک از طریق جاده، ریل و آب‌های داخلی^۳ ۱۹۸۹ ضرر به معنای از دست دادن یا آسیب ناشی از آلودگی به محیط زیست می‌باشد.

همچنین مطابق بند d ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی نجات دریایی^۴ ۱۹۸۹ خسارت به محیط زیست به معنای آسیب فیزیکی قابل توجه به سلامتی بشر یا حیات جانداران یا منابع دریایی در آب‌های ساحلی یا داخلی یا مناطق مجاور آن که در اثر آلودگی، آتش‌سوزی، انفجار یا حوادث مشابه ایجاد می‌شود، می‌باشد.

با عنایت به تعاریف یاد شده برخی معتقدند؛ خسارت زیست محیطی به‌طور ویژه در خصوص مسوولیت، به نظر می‌رسد مرکب از دو عنصر خسارت و جبران خسارت است؛ به عبارتی دیگر خسارت بدون محیط زیست، خسارت زیست محیطی نیست (Sands, 2003: 877) دشواری اصلی درباره تعریف خسارت زیست محیطی این است که آیا قربانی چنین خسارتی انسان است یا محیط زیست؛ یعنی آیا اموال زیست محیطی از لحاظ حقوقی تحت حمایت هستند یا نه؟ در پاسخ به این سوال دو گرایش اساسی وجود دارد:

۱. برخی از نویسندگان، محیط زیست را منشاء ورود خسارت به انسان دانسته‌اند.
۲. در مقابل عده‌ای از حقوقدانان خسارت به خود محیط زیست را صرف نظر از بازتاب‌های آن قابل مطالبه می‌دانند (سلیمی، ۱۳۹۲: ۹).

^۱ Environmental damage

^۲ United Nation Environmental Program

^۳ Convention on Civil Liability for Damages Caused during Carriage of Dangerous Goods by Road, Rail, and Inland Navigation vessels (CRTD).

^۴ International Convention on Maritime Rescue (SALVAGE).

براین اساس یکی از نویسندگان، خسارت زیست محیطی را چنین تعریف می‌کند: «خسارت زیست محیطی عبارت است از خسارتی که به اشخاص و یا اشیاء محیط پیرامون زندگی انسان وارد می‌شود» بنا بر این تعریف، محیط زیست منبع خسارت است نه قربانی خسارت (انصاری و کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۹۵)؛ زیرا بر اساس این نظریه، محیط زیست منبع خسارت است و قربانی آن به شمار نمی‌رود (Priour, 1996: 947). در مقابل، برخی از حقوقدانان خسارت به اشیاء و پدیده‌های زیست محیطی را در تعریف خسارت زیست محیطی می‌آورند و آلودگی آب، هوا یا خاک را نیز داخل در این تعریف دانسته‌اند هر چند که آثار غیرمستقیم این خسارت‌ها به انسان‌ها بر می‌گردد (انصاری و کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۹۶). بر این اساس خسارت زیست محیطی: خسارتی است که به طور مستقیم به محیط پیرامون وارد می‌آید نه خسارت وارده بر اشیا و اموال.

مجلس اروپایی در سال ۲۰۰۴، رهنمودی را درباره مسوولیت‌های زیست محیطی برای کشورهای عضو، در خصوص پیش‌گیری و جبران خسارات زیست محیطی، تصویب کرد. این رهنمود، مسوولیت‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد. خسارات زیست محیطی در این سند، محدود به خسارات وارده بر موجودات زنده، زیست‌گاه‌ها، آب و خاک شده است. دیدگاه رهنمود، درباره موجودات زنده و زیست‌گاه‌ها خیلی محدود است و درباره آسیب به خاک، تنها به آلودگی، آن هم در صورتی که به زیان بشر باشد، اشاره شده است و این در حالی است که در بقیه موارد، چنین نیست و خود محیط زیست حمایت شده است. این موضوع به نظر نمی‌رسد که پذیرفتنی و توجیه‌پذیر باشد. از طرفی خسارات زیست محیطی ناشی از حوادث حمل و نقل دریایی و زمینی را، از قواعد دستورالعمل مستثنی کرده است؛ به این دلیل که این مسایل به طور کافی در معاهدات بین‌المللی مدنظر قرار گرفته‌اند (Ghestin, 2001: 178).

«در ارائه تعریفی از «خسارت زیست محیطی» این سوال مطرح می‌شود که اساساً مفهوم «خسارت» در حقوق بین‌الملل به چه معناست؟ در یک تعریف کلی «خسارت» زیان یا صدمه‌ای است که در نتیجه فعل یا ترک فعل تابعان حقوق بین‌الملل و یا در اثر بروز حوادث طبیعی، به افراد، اموال و یا محیط زیست وارد می‌شود» (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۴). در اینجا این نکته قابل ذکر است که این مفهوم به فراخور تحولات و پیشرفت‌ها در دوره‌های زمانی متفاوت و در عرصه‌های مختلف ابعادی گوناگون یافته است. در برهه‌ای از زمان، اسنادی همچون رأی داوری تریل اسمتلر^۱، کنوانسیون پاریس مربوط به «مسئولیت در قبال اشخاص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای» بدون توجه به خسارت زیست محیطی و اکولوژیک، خسارت را صرفاً سلب حیات، صدمه شخصی، تلف و یا لطمه به مال تعریف می‌کردند. در اسناد مزبور خسارت زیست محیطی در پرتو خسارات وارده به شخص و یا اموال در نظر گرفته می‌شد و از سوی دیگر، شکل خاصی از تسلط و مالکیت را در خود داشت و از این رو در شمول خسارت نسبت به تخریب مشروبات

^۱.Trail Smelter

عمومی از جمله محیط زیست ایجاد تردید می‌کرد. در برهه‌ای دیگر اسناد بین‌المللی در تعاریف خود از واژه خسارت، صدمات زیست محیطی را لحاظ داشتند (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۴).

« در خصوص مفهوم خسارت زیست محیطی، کمیسیون اروپا در اسناد خود گرایش‌های متفاوت داشته است. به طوری که در لایحه ۲۰۰۰ دو نوع خسارت قابل مطالبه پیش بینی شده بود:

۱- خسارت زیست محیطی که خسارت به تنوع زیستی، آب و محوطه‌های آلوده را در بر می‌گرفت.

۲- خسارت سنتی که منظور همان خسارت وارده به اشخاص و اموال است» (سلیمی، ۱۳۹۲: ۱۰).

همچنین رهنمودهای تهیه شده برای اروپا توسط کمیسیون اقتصادی ملل متحد در مورد مسئولیت در قبال آلودگی- های آبی فرامرزی، خسارات را به عنوان مبنایی برای میزان غرامت یا جبران آن چنین تعریف می‌کند:

الف) از دست دادن حیات، صدمه به سلامتی یا هر نوع زیان شخصی،

ب) هر نوع آسیب دیدن یا تلف شدن مال یا عدم‌المنفع،

ج) بروز تغییرات سوء و مضر در اکوسیستم، شامل:

۱- هزینه‌های اقدامات معقول، اعاده‌ی واقعی وضعیتی که محقق شده یا اقداماتی که باید صورت پذیرد،

۲. خسارات زاید بر آن چه که در قسمت بدان اشاره شد.

د) هزینه‌ی اقدامات بازدارنده و خسارت بیشتری که از آن اقدامات ناشی شود (ولفروم، ۱۳۸۱: ۷۰).

خسارت زیست محیطی در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به اصول تخصیص زیان در خسارت فرامرزی ناشی از اعمال مخاطره‌آمیز:

بند اول اصل ۲ طرح پیش‌نویس اصول ۲۰۰۶ خسارت را چنین تعریف کرده است:

«خسارت عبارت است از ضرر مهم به اشخاص، اموال و محیط زیست که شامل موارد ذیل می‌شود:

الف) ضرر به زندگی یا صدمه جسمانی؛

ب) ضرر یا خسارت به اموال اعم از میراث فرهنگی؛

پ) ضرر یا خسارت به وسیله اختلال در محیط زیست؛

ت) هزینه‌های اقدامات معمول در جهت بازیابی حالت سابق نسبت به اموال یا محیط زیست، اعم از منابع طبیعی؛

ث) هزینه‌های اقدامات واکنشی معمول.» (Schwabach, 2006: 2).

به‌دنبال انتقاداتی که در مورد پیش‌بینی خسارت‌های سنتی صورت گرفت، کمیسیون اروپا در دستورالعمل پیشنهادی به پارلمان و شورای اروپا چنین خسارت‌هایی را از شمول خسارات زیست محیطی خارج کرد و این امر را به قوانین داخلی دولت‌های عضو اتحادیه محول نمود. دلیل کمیسیون در پیش‌بینی خسارت‌های سنتی این بود که «اگر خسارات سنتی به قوانین داخلی و دولت‌های اتحادیه محول شود ممکن است پیامدهای غیرمنصفانه داشته باشد؛ زیرا

در بعضی از کشورها ممکن است میزان این خسارت کمتر محاسبه شود یا به طور کلی چنین خسارتهایی قابل مطالبه نباشد. به دنبال انتقاداتی که از کمیسیون اروپا شد در دستور العمل مصوب ۲۰۰۴ خسارت‌های سنتی از قلمرو دستور العمل خارج شد؛ زیرا هدف دستورالعمل، پیشگیری از خسارت زیست محیطی و جبران آن است و تأثیری بر جبران خسارت‌های سنتی ندارد (European Parliament and of the Council, 2004,n214). بنابراین، از دیدگاه دستورالعمل، خسارت‌های جسمانی و خسارت وارد بر اموال قابل مطالبه نیست و در این خصوص قواعد مسئولیت مدنی داخلی کشورها اعمال خواهد شد. برای نمونه در لایحه قانون مسئولیت زیست محیطی فرانسه، مقرر شده است که مقررات جدید تأثیری بر حقوق قربانیانی که خسارت شخصی به آنها وارد می‌شود نداشته و آنها می‌توانند بر مبنای نظام مسئولیت موجود چنین خساراتی را مطالبه کنند.

۳- تحلیل:

۱- اوصاف و ویژگی‌های متفاوت ضرر در خسارات زیست محیطی

بخش اول تعریف خسارت همان ضرر است. «ضرر در لغت به معنای گزند، نقصان، زیان و مقابل نفع است و زیان به معنای نقصان، خسارت، ضرر و ضد سود می‌باشد و آنچه که ضرر برساند و یا سبب زیان و خسارت و آسیب گردد، زیان‌آور نامیده می‌شود. بنابراین از لحاظ لغوی این دو کلمه مترادف یکدیگرند» (آخوندی، ۱۳۶۸: ۳۱۲). برای بررسی اینکه آیا مفهوم ضرر در خسارات زیست محیطی متفاوت از مفهوم ضرر در سایر مباحث به ویژه در مباحث مسئولیت مدنی می‌باشد؟ لازم است برای پاسخ ابتدا این شرایط در خسارات زیست محیطی مورد بررسی قرار بگیرند تا پس از مطالعه این شرایط بتوان مفهوم آن را مشخص کرد.

حال یا آینده بودن ضرر

با توجه به زمان وقوع فعل زیان بار با دو گونه ضرر مواجه می‌شویم: ضرر حال و ضرر آینده. ضرر حال ضرری است که در زمان وقوع فعل زیان بار حادث شده است مانند خراب کردن خانه کسی؛ اما ضرر آینده ضرری است که فعل زیان بار حادث شده ولی آثار آن هنوز به طور کامل ظاهر نشده، بلکه در آینده پدیدار خواهد شد به همین دلیل، میزان ضرر را نمی‌توان به طور دقیق معین کرد (سنهوری، پیشین، ۸۵۹ به بعد) مثل مسموم کردن شخصی که آثار آن با گذشت زمان پدیدار می‌شود.

ضرر آینده را نباید با ضرر احتمالی اشتباه گرفت ضرر آینده ضرری است که عرفاً وجود و تحقق آن در آینده حتمی و مسلم است و چنین خسارتی قابل مطالبه است (شهیدی، ۱۳۸۲: ۷۳).

در بحث خسارات زیست محیطی از مشکلات مهم، همین ضررهای مربوط به حال و آینده ای است که تشخیص آن به سادگی ممکن نیست چون ما در مسئولیت زیست محیطی بیشتر با مسئولیت ناظر به آینده و خسارت‌هایی که آثار آن هنوز واقع نشده مواجه هستیم.

مسلم و قطعی بودن ضرر

از شرایط اصلی ضرر در مسئولیت مدنی، مسلم و قطعی بودن آن است و اگر ضرر وارده محتمل بوده و در مورد ایجاد خسارت تردید وجود داشته باشد یعنی قطعی نباشد بحث جبران خسارت منتفی است ولی در خسارات زیست محیطی بدلیل اینکه اغلب ضررها و افعال زیانبار در دراز مدت ممکن است منجر به خسارات در ابعاد متعدد گردند، این شرط در افعال زیانبار زیست محیطی متفاوت از سایر ضررهاست که این تفاوت یکی از مواردی است که منجر شده مفهوم ضرر در این گونه از خسارات متفاوت باشد.

منظور از مسلم و قطعی بودن ضرر این است که ورود ضرر محقق باشد. بنابراین اگر در تحقق ضرر شک و تردیدی وجود دارد، چنین ضرری به علت احتمالی و موهوم بودن تحقق نیافته تلقی شده و قابل مطالبه نمی‌باشد. «ضرر احتمالی ضرری است که احتمال و امکان تحقق آن در آینده وجود دارد ولی به همان اندازه که احتمال تحقق آن وجود دارد، احتمال عدم تحقق آن نیز وجود دارد» (شهیدی، ۱۳۸۲: ۷۹)؛ بنابراین؛ زیان از نظر امکان وقوع، به قطعی و محتمل تقسیم می‌شود زیان قطعی به‌طور حتم واقع می‌شود، چه زمان وقوع آن حال باشد یا آینده، ولی زیان محتمل آن است که درباره‌ی اصل تحقق آن تردید وجود دارد (سنه‌وری، ۱۹۹۵: ۸۶۲). زیان محتمل با از بین رفتن فرصت تفاوت دارد. در اصل وقوع زیان محتمل تردید است اما در از بین رفتن فرصت، اینطور نیست. در مقوله‌ی محیط زیست، از بین بردن مواهب طبیعی، ضررهای محتمل زیادی را برای نسل‌های بعد مطرح می‌نماید و چه بسا فرصت‌های آتی فراوانی را با خطر روبه‌رو نمایند. بر اساس قاعده «وجوب دفع الضرر المحتمل» که از قواعد فقه اسلامی است باید از اقداماتی که احتمال می‌رود به محیط زیست آسیب برساند جلوگیری به عمل آید (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳۱). مثلاً دستور موقت یکی از راهکارهای قدیمی است که می‌تواند از آلودگی یا دیگر آسیب‌های زیست محیطی بکاهد این راهکار به‌طور معمول پس از ارزیابی جبران‌ناپذیر بودن زیان و تهدید سلامت عمومی، به‌طور خارج از نوبت صادر می‌شود؛ بنابراین در قضایای زیست محیطی که در آنها به اقدام فوری نیاز است مناسب به نظر می‌رسد (شلتون و کیس، ۱۳۸۹: ۱۳۹). در مقوله محیط زیست، از بین بردن مواهب طبیعی، ضررهای محتمل زیادی برای نسل‌های بعدی خواهد داشت مثل سوختن بنزین که سرب فراوان را در شهرها پراکنده می‌کند و باعث مرگ تدریجی انسان‌های فراوانی می‌گردد (فهیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). حوزه‌هایی که این خسارت‌ها می‌تواند در آنها محقق شود بسیار گسترده است: آب، هوا، خاک، حفاظت از طبیعت (تنوع زیستی، کوهستان، ساحل، جنگل‌ها، تالاب‌ها، پارک‌ها و ذخیره‌گاه‌ها (حفاظت از میراث فرهنگی، طبیعی و گردشگری، آلودگی صدا، حمل و نقل، مواد سمی، خطرناک و پسماندها) (مشهدی، خسروشاهی و یوسفی، ۱۳۹۱: ۴۵-۴۵).

تعیین کردن اینکه چه زمانی یک مدرک به وسیله مراجع قضایی یا داور بین‌المللی به عنوان معیار اثبات برای تسبیب مورد قبول واقع خواهد شد مشکل است. برای اینکه ضرر قابل مطالبه باشد، خسارت باید «مسلم و قطعی» باشد. با

این وجود در حقوق فرانسه رویه قضایی با تکیه بر ارزیابی قضات، جبران خسارت‌های آینده را که وصف بالقوه دارند نیز پذیرفته است. البته این رویه ناظر بر موردی است که سخن بر سر ادامه وضعیت گذشته و استمرار خسارت در آینده باشد و نه صرف تهدید وقوع خسارت در آینده نزدیک. رجوع به مفهوم تهدید قریب‌الوقوع خسارت، عاری از معیارهای نوعی است. با وجود این، در موردی که خطر وقوع خسارت در آینده نزدیک وجود دارد، برخی از حقوقدانان اعتقاد دارند که اصل احتیاط می‌تواند در به روز شدن مسئولیت مدنی دخیل باشد. بر اساس این، شاید بتوان اعتماد بیش از اندازه به قطعی نبودن ورود خسارت از نظر علم و فن را «تقصیر در احتیاط» نامید (Knox, 2009:6).

مستقیم یا غیر مستقیم بودن ضرر

از دیگر شرایط ضرر برای تحقق مسئولیت مدنی، مستقیم بودن آن است؛ اما همانطور که بیان خواهد شد ضرر در خسارات زیست محیطی همیشه مستقیم نیست و در بسیاری از موارد غیرمستقیم است که این موضوع باعث تفاوت گستردگی آن به ضررهای مستقیم و غیرمستقیم شده است. در نظام حقوقی کشور ما هرچند که در قانون مسئولیت مدنی حکمی در خصوص لزوم مستقیم بودن ضرر وجود ندارد، اما در ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق و ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ به نوعی بر لزوم شرط مستقیم بودن ضرر تأکید شده است.

ماده قانونی فوق مقرر می‌دارد: «در خصوص مطالبه خسارت وارده خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم خواسته بوده است. در غیر این صورت دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد». عبارت «بلاواسطه» در این ماده قانونی بیانگر لزوم شرط مستقیم بودن ضرر می‌باشد. در ضرر مستقیم هرگاه میان سبب و زیان، فعل فاعل مختار واسطه شود، زیان به سبب اسناد داده نمی‌شود، مگر در موارد استثنایی. در ضرر غیرمستقیم این وضعیت در موردی است که میان سبب و زیان فعل وجودی واسطه شود. از نمونه‌های ضرر مستقیم در خسارات زیست محیطی، ضرر به نسل فعلی است که از محیط زیست سالم برخوردار نمی‌شود و از نمونه‌های ضرر غیرمستقیم، مخارج دارو و درمان همین نسل در سال‌های بعد است که به دلیل ضرر غیرمستقیم بر محیط زیست، هزینه‌های فراوانی را بر خانواده و اجتماع تحویل می‌نماید. همچنین می‌توان قطع درختان جنگل اشاره نمود که بعداً منجر به عدم مهار سیلاب و نیز تغییر دما یا گرم شدن هوا منتهی می‌گردد را از نمونه‌های ضرر آینده دانست.

مادی یا معنوی بودن ضرر

ضرر مادی عبارت از اخلال در نفع مالی زیان دیده است (سنه‌وری، ۱۹۹۵: ۸۵۴). به بیان دیگر، منظور از ضرر مادی، ضرر قابل تقویم به پول است (میشل لوراسا، ۱۳۷۵: ۱۰۵) برخی نیز گفته‌اند: «هر گونه ضرری است که به اموال و

دارایی شخص یا اشخاص وارد می شود» (درودیان، ۱۳۷۶: ۸۰). ضرر مادی از لحاظ تحقق آن ممکن است به صورت تلف شدن و از بین رفتن مال و یا عدم النفع باشد. از نظر مالی که زیان دیده، این ضرر ممکن است مربوط به یک شیء مادی یا شخص انسان و یا حقوقی باشد که دارای ارزش مالی است (لورراسا، ۱۳۷۵: ۱۰۶).

در خصوص ضرر و خسارات زیست محیطی می توان گفت که هر یک از انواع آلودگی های آب، خاک، هوا، هسته ای، شیمیایی، فضائی و... می تواند از مصادیق ضرر مادی باشد که بر حسب مورد، سبب ورود خسارت بر اموال، اشخاص و دیگر عناصر زیست محیطی می شود. به طور مثال آلودگی هوای ناشی از فعالیت یک کارخانه موجب بیماری هایی چون آسم و سرطان برای انسان و ضررهای جبران ناپذیری بر محیط زیست مانند تلف شدن ماهی ها، پرندگان، گیاهان و... می شوند (انتظاری نجف آبادی، ۱۳۹۴: ۲۱۶).

عدم النفع نیز می تواند یکی از مصادیق ضرر مادی محسوب شود هرچند از نظر فقهی در آن تردید وجود دارد. ولی از دیدگاه عرف و اثره خسارت بر عدم النفع نیز صدق می کند (وحدتی شبیری، ۱۳۸۵: ۶۹). به طور مثال کارخانه ای که در نزدیکی یک باغ میوه قرار دارد و با تولید آلودگی هوا، باعث از بین رفتن شکوفه های آن درختان می شود، اگرچه شکوفه ها ارزش اقتصادی ندارند اما قابلیت تبدیل شدن به میوه را دارند. با از بین رفتن آنها نفعی که قرار بوده تا صاحب باغ در آینده نصیبش شود از بین رفته است و باید خسارت وارده به نحوی جبران شود.

منظور از ضرر معنوی صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی است (پاتریس، ۱۳۸۵: ۱۹۰). به دیگر سخن خسارتی که به طور مستقیم بر مال یا حقوق مالی وارد نمی شود بلکه جنبه معنوی و غیر مالی دارد. حال این سوال پیش می آید که آیا در مبحث مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی نیز می توان قائل به خسارت معنوی و جبران آن شد؟ در پاسخ به این سوال، برخی معتقدند که ضرر و خسارت زیست محیطی که از آسیب به محیط زیست ناشی می شود، هم مشتمل بر ضررهای مادی و مالی است و هم ضررهای معنوی. به طور مثال با تخریب جنگل ها که موجب کاهش جذب گردشگر (ضرر مادی) می شود با کاهش لذت و محرومیت در انتفاع (ضرر معنوی) نیز روبرو می شویم و این گونه آسیب ها دارای آثاری چون صدمات روحی، افسردگی و... می شود. کما اینکه از بین رفتن بخشی از کوه در قالب کوه خواری و استحصال خاک آن نه تنها زیبایی مطلوب از دست خواهد رفت بلکه زشتی آن رنج آور خواهد شد.

شخصی یا نوعی بودن ضرر

یکی دیگر از شرایط ضرر در مسئولیت مدنی شخصی بودن ضرر و داشتن نفع شخصی است که در این خصوص فقط شخص متضرر و قائم مقام های وی حق مطالبه خواهند داشت؛ بنابراین گفته شده است که هر گاه زیان دیده از مطالبه حق خود خودداری کند کس دیگر نمی تواند وی را اجبار به این کار کند یا خود به جای وی مطالبه خسارت نماید. در این که آیا در خسارات محیط زیستی نیز این وضعیت صدق می کند یا نه؟ باید بیان داشت که بر خلاف

سایر خسارات، در خسارات زیست محیطی به جای شخصی بودن ضرر باید از نوعی بودن آن سخن گفت چون مسئله محیط زیست و تخریب آن یک مسئله جهانی است و دعاوی مربوط به آن جنبه فراملی دارد، لذا اگر دولتی مطالبه خسارت از عامل آن نداشته باشد سایر دولت‌ها می‌توانند علیه وی اقامه دعوا نمایند.

اگر ملاک ضرر نوعی باشد، برای سنجش ضرر به اوضاع و احوال شخص متضرر توجه نمی‌شود. این بحث خصوصاً در جایی که تعارض دو ضرر مطرح می‌شود، اهمیت می‌یابد؛ زیرا جایی که تعارض دو ضرر مطرح می‌شود، باید ضرر بیشتر را در نظر قرار داد و آن را بر ضرر کمتر پیشی پنداشت. بدیهی است که در ضرر به محیط زیست، از معیار ضرر شخصی نمی‌توان استفاده کرد و باید ملاک ضرر نوعی را در نظر گرفت.

البته باید عنایت داشت که در اینجا مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال دیگر دولت‌ها، یا جامعه بین‌المللی مطرح می‌شود، زیرا در مورد سایر دولت‌ها آنها متحمل خسارتی نشده‌اند که بتوانند برای جبران آن طرح دعوی کنند. در مورد ذی نفع نبودن و در ارتباط با جامعه بین‌المللی هم هنوز طرح دعوی به نمایندگی از طرف جمع پذیرفته نشده و نهادی مستقل برای این کار وجود ندارد. بنابراین باید بحث را روی اثبات تعهد بین‌المللی دولت در حفظ و حمایت از محیط زیست خود متمرکز کرد. در نتیجه از دو منظر می‌توان این مسأله را مورد توجه قرار داد، هر چند هر دو ارتباط نزدیکی به هم دارند: «یکی حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر، که در این صورت مسئولیت بین‌المللی دولت در نقض حقوق انسانی اتباع خود مطرح می‌گردد و دیگری محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت، قطع نظر از محل استقرار آن به لحاظ جغرافیایی» (زمانی، ۱۳۸۱: ۶۳).

بی‌تردید اگر حقوق محیط زیست مبتنی بر منفعت و علایق مشترک بشریت است، باید گفت که این منفعت در حقوق شناخته شده برای افراد نیز منعکس است، لذا تضادی بین این دو، در طرح و بررسی مسأله وجود ندارد. رعایت جهانی حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد، جزئی از علایق و منافع مشترک بشریت است (امیرارجمند، ۱۳۷۴: ۳۴۴).

حقوق بشر که با انتشار «اعلامیه جهانی حقوق بشر» ۱۹۴۸ و میثاقین ۱۹۶۶، جایگاهی رفیع در نظام بین‌المللی به خود اختصاص داد، در سال ۱۹۷۲ در «اعلامیه استکهلم» با محیط زیست رابطه و پیوندی اساسی برقرار کرد. همچنین در پیش طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، دارا بودن حق بر محیط زیست را یکی از اشکال حیثیت انسانی تلقی کرده که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل‌های آینده است در دیگر اسناد مثل «منشور جهانی طبیعت» و «اعلامیه ریو» هم قواعدی مشابه وجود دارد.

طبق کنوانسیون ۱۹۶۹ و اصلاحیه‌های بعدی، آن هیچ دعوایی علیه تخریب مشترکات عمومی اقامه پذیر نیست، طبق بند ۳ ماده ۴۰ طرح پیش نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل به نظر می‌رسد که چنین حقی برای تمام دولت‌های عضو کمیسیون یاد شده، وجود داشته باشد که اگر در محلی آسیبی به محیط زیست عمومی وارد آید علیه دولت دیگر اقامه

دعوی نماید. در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر از جمله در پیش‌نویس طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۲ در ماده ۱۵ چنین ذکر شده است: «دولت‌های عضو، متعهد می‌گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی صدمه وارد کند (Kiss & Shelton, 2004:377 به نقل از فهیمی، ۱۳۹۶:۱۲۱).

طبق ماده ۱۷۴ دستورالعمل ۲۰۰۴ اتحادیه اروپایی نیز بهره‌برداری اشخاص (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) که از فعالیت آنها خسارت زیست محیطی حاصل می‌شود، مسئول هستند و باید آلوده کننده، خسارت پردازد و دولت‌های عضو موظف شده‌اند که در سال ۲۰۰۷ این اصل را در قانون ملی خودشان اعمال نمایند.

بنابراین روشن است با به خطر افتادن محیط زیست انسان، بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین حق انسانی - یعنی حق حیات وی - به مخاطره خواهد افتاد، به همین خاطر هر دولتی باید حیات اجتماعی را چنان سامان دهد تا تضمینی برای حفظ مبانی و پایه‌های طبیعی حیات باشد.

فردی یا جمعی بودن ضرر

در ضرر فردی فقط شخص معینی زیان می‌بیند ولی در ضرر شخصی، یک جامعه یا گروه خاص دچار خسارت می‌شود البته منظور از ضرر فردی این نیست که حتماً متضرر یک شخص باشد، بلکه گاهی ممکن است متضررین افراد متعددی باشند به طوری که به هر زیان دیده‌ای، ضرر مستقل از ضرر وارد به دیگری متوجه شده باشد. برای مثال در اثر تقصیر یک شخص، آتشی شعله ور شود و چند خانه را طعمه حریق سازد در این صورت هر یک از زیان دیدگان حق طرح دعوای شخصی مستقل خود را دارد که تنها به عنوان خود و بدون متأثر شدن از دعوای دیگران آن را اقامه کند (سنهوری، پیشین: ۹۲۰). پس معیار در ضرر فردی این است که بتوان متضرر را محدود به اشخاص معین نمود چه این متضرر یکی باشد یا بیشتر؛ اما ضرر جمعی، خسارتی است که به یک گروه یا دسته وارد می‌گردد بدون اینکه بتوان تشخیص داد یک نفر معین یا چند نفر از آنها متضرر گردیده‌اند (لورراسا، پیشین: ۱۰۹). پس ضرر جمعی زبانی است که به گروه نامحصور وارد می‌شود به طوریکه کسی نمی‌تواند خود را زیان دیده اصلی بدانند مثلاً کارخانه‌ای که به سبب آلودگی منابع آب یک شهر شده و خسارت جمعی به تمام شهروندان آن شهر وارد نموده است.

وقتی ضرر متوجه شخص خاصی باشد کار زیاد مشکل نیست، ولی وقتی ضرر متوجه یک جمع باشد و نشود فرد خاصی را متضرر از آن عمل زیانبار دانست، کار مشکل‌تر است. در بحث خسارات زیست محیطی، بحث عمده ما در ضررهای رسیده به عموم است که باعث می‌شود تا ضرر در این‌گونه از خسارات مفهوم متفاوتی داشته باشد.

اگر ضرر و زیان ناشی از خسارات زیست محیطی به همه مردم یا گروه کثیری از شهروندان وارد آید، آیا چنین ضرر و زبانی قابل مطالبه است؟ این سؤال از آنجا ناشی می‌شود که عده‌ای از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که زیان زمانی جبران‌پذیر است که صرفاً متوجه افراد خاصی گردد و چنانچه زیان متوجه همه مردم یک شهر یا گروه کثیری از

شهروندان شود، آن را نباید «زیان» دانست بلکه باید «هزینه عمومی» به شمار آورد و مطابق نظریه‌ی تساوی شهروندان در برابر هزینه‌های عمومی، همه مردم باید هزینه‌های عمومی را پردازند و این ضرر همگانی نیز از مصادیق هزینه‌های عمومی است که بر همگان بار شده است و بنابراین قابل مطالبه نمی‌باشد (ابوالحمد، ۱۳۸۸، ۵۴۹). به‌طور مثال اگر در اثر آلودگی‌ها یا فعالیت‌های هسته‌ای یا دیگر فعالیت‌ها به لایه ازون آسیب وارد و به مرور زمان بر کثیری از مردم خساراتی نظیر مشکلات تنفسی یا گرمادگی و ... وارد آید و در نتیجه این فعالیت‌های آسیب‌زا به لایه ازون به مدت طولانی خسارتی به عموم شهروندان وارد آید (خیری، ۱۳۹۶) در این صورت به علت همگانی بودن این زیان می‌بایست آن را از مصادیق هزینه‌های عمومی محسوب نمود که قابل مطالبه نمی‌باشد.

با وجود آن‌که این ایده قابل پذیرش است اما دو نکته در این خصوص را نیز می‌بایست مدنظر داشت. اول آنکه خاص بودن زیان را نمی‌بایست محدود به افراد اندکی دانست بلکه ممکن است در اثر خسارات زیست محیطی به بخشی از ساکنین یک منطقه آسیب وارد آید، در این حالت خسارات وارده به کلیه افراد منطقه قابل مطالبه است، به این دلیل که عده خسارت‌دیدگان بسیار کمتر از عده کسانی است که در جامعه از انجام برنامه‌های عمومی دولت سود می‌برند. ثانیاً تکرار زیان با عمومی بودن زیان منافات دارد. در حالت تکرار زیان، شاهد وارد آمدن زیان‌های متعدد به شخص یا اشخاص خاصی هستیم که این امر با عمومی بودن زیان متفاوت بوده و قابل جبران می‌باشد مثل کارخانه-ای که با وجود آلاینده‌گی و آگاهی از آن به فعالیت‌های خود بدون هیچ برنامه‌ای برای از بین بردن این آلودگی ادامه می‌دهد.

اصل ۲۳ منشور جهانی طبیعت، با صراحت در این باره مقرر می‌دارد: «همه‌ی افراد با توجه به قانون‌مندی داخلی خود، فرصت مشارکت به‌طور انفرادی یا همراه دیگران را در تنظیم تصمیماتی که مرتبط با محیط زیست است، خواهند داشت و همچنین زمانی که محیط زیست آنها زیان ببیند و دچار خسارت گردد، به وسایل جبران غرامت دسترسی خواهند داشت»^۱.

۴- نقش تقصیر در بروز خسارات زیست محیطی

طبق نظریه تقصیر، فعل وارد کننده زیان در صورتی موجد مسئولیت مدنی است که وارد کننده آن مرتکب خطا شده باشد که ممکن است عمدی یا غیر عمدی (ناشی از بی احتیاطی) باشد (اسکینی، ۱۳۷۱: ۲۳۸). این نظریه سنتی‌ترین نظریه در مسئولیت مدنی زیست محیطی است. بر این اساس، خسارات زیست محیطی قابل مطالبه نیستند مگر اینکه بتوان ثابت کرد که عامل زیان در وارد کردن خسارت تقصیر داشته است (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۴).

¹. All persons, in accordance with their national legislation, shall have the opportunity to participate, individually or with others, in the formulation of decisions of direct concern to their environment, and shall have access to means of redress when their environment has suffered damage or degradation.

طبق نظریه عینی و بدون تقصیر هر کسی مسئول خسارتی است که به دیگران وارد کرده است، اعم از اینکه تقصیر کرده باشد یا نه (پاتریس، ۱۳۸۵: ۵۷). لذا همین که شخصی فعلی را مرتکب شود یا محیط خطرناکی را به وجود آورد، مسئول کلیه خسارات ناشی از آن حتی بدون هیچ گونه تقصیر می باشد (صفایی، ۱۳۵۵: ۲۳۷).

نظریه تقصیر برای مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست جامعیت و کارایی لازم را ندارد؛ زیرا اولاً: ارزیابی خسارت های زیست محیطی بسیار دشوار است؛ ثانیاً: اثبات رابطه آلودگی ها و خسارات زیست محیطی بسیار مشکل و در برخی از موارد غیر ممکن می باشد؛ ثالثاً: قربانیان خسارات زیست محیطی انگیزه بسیار کمی برای پیگیری و مطالبه خسارات زیست محیطی دارند؛ رابعاً: در بسیاری از موارد، محیط زیست مال خصوصی نیست و لذا شرط تحقق مسئولیت مدنی، یعنی نقض حقوق مالکیت فردی محقق نیست؛ بنابراین این نظریه در عمل اثبات تقصیر، غیر مقدور و به تبع آن امکان جبران خسارت غیر ممکن است (خوئینی و کرمی، ۱۳۹۳: ۶۹). همچنین میتوان گفت قدرت بازدارندگی مسئولیت عینی بیشتر از تقصیر است و چون هدف اولیه از مسئولیت زیست محیطی، پیشگیری از ورود خسارت است و نه جبران آن و در بسیاری از خسارات زیست محیطی اعاده به وضع سابق امکانپذیر نیست لذا این هدف از طریق مسئولیت عینی بیشتر تامین می شود زیرا شخص تلاش بیشتری برای جلوگیری از ورود خسارت می نماید تا مجبور به جبران خسارت بیشتری نباشد.

۵- نتیجه گیری و دستاوردهای پژوهشی

در مورد تعیین مفهوم خسارت زیست محیطی با توجه به اینکه عده ای قربانی خسارات زیست محیطی را انسان و عده ای محیط زیست قلمداد می کنند، با مشکل روبرو می شویم. چرا که در مورد شناسایی اینگونه خسارات هنوز معیار واحدی وجود ندارد و نظام های گوناگون، ضوابط و معیارهای مختلفی را در این مورد اجرا می کنند و با وجود تلاش های فراوانی که برای ارائه تعریفی از خسارات زیست محیطی از دیدگاه حقوق بین الملل محیط زیست در حقوق قراردادی و معاهدات بین المللی هنوز به تعریف شفاف و جامعی از آن دست یافته نشده است و این امر باعث شده تا تشخیص راهکارهای جبران اینگونه خسارات با مشکلات فراوانی مواجه شود. با این حال در یک تعریف کلی خسارات زیست محیطی را میتوان خساراتی که به طور مستقیم به محیط زیست وارد می شود بدون توجه به بازتاب هایی که این خسارات بر اشیا و اموال دارند تعریف نمود. مسئولیت زیست محیطی در حقوق ایران با استناد به اصول و قواعد فقهی و قوانین و مقررات زیست محیطی و همچنین پیوستن به برخی از کنوانسیون های بین المللی به مسئولیت عینی برای عامل زیان حکایت دارد. در نظام حقوقی اکثر کشورها، مسئولیت بدون تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی پذیرفته شده است. در برخی کشورها نیز همان قوانین سنتی مسئولیت حاکم است با این وجود، در حقوق برخی از کشورها، این مسئولیت در خصوص برخی از آلودگی

های زیست محیطی پذیرفته شده به طوری که اعمال این نوع مسئولیت منحصر به فعالیت هایی است که فهرست آنها توسط قانونگذار تعیین شده است.

خسارات زیست محیطی دارای انواع مختلفی مثل آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی خاک، آلودگی رادیواکتیوی، گرمایش جهانی و... هستند. با توجه به این گوناگونی، اینگونه خسارات دارای ویژگی های فرامرزی، غیرقابل ارزیابی بودن و چند بعدی می باشند که این امر باعث دشواری جبران این خسارات می شود.

از تعریف و تقسیم انواع ضرر توسط نظام های حقوقی مختلف چنین بر می آید که به دشواری می توان به استناد قوانین مسئولیت مدنی، خسارات زیست محیطی را مطالبه کرد و برای خسارات مزبور باید به قوانین خاص حفاظت از محیط زیست مراجعه نمود. با مطالعه مقررات اتحادیه اروپا و حقوق ایران چنین بر می آید که هیچکدام از نظریه های مطروحه توان پاسخگویی به خسارات زیست محیطی را ندارند و جوهره این قوانین حاکی از مطلق بودن مسئولیت در اینگونه خسارات است و نظریه تقصیر جایگاه خاصی در این موارد ندارد. براین اساس باید گفت هر اقدامی که از اشخاص سرزند و محیط زیست را از حالت و وضعیت طبیعی و اولیه اش در پی اعمال و اقدامات عمدی یا غیر عمدی، آگانه یا غیر آگাহانه و یا با مسامحه وبدون آن وبعبارتی ولو بدون تقصیر خارج سازد ومنجر به آسیب ولطمه فعلی یا آتی برآن گردد اعم از اینکه قابل جبران باشد یا خیر اساسا ضرری بدنبال خواهد داشت که بطور مستقیم به شخص یا اشخاص معین وبطور غیر مستقیم به بخش اعظم از مردم یک کشور یا منطقه تحمیل خواهد ساخت خسارات زیست محیطی تلقی می شود و بهر روی وارد کننده آن باید مکلف به جبران آن باشد تا خسارات زیست محیطی نه تنها گسترش نیابد بلکه تمام خسارات وارده نیز جبران گردد. از این منظر نگاه نو و وسیعی متفاوت از قبل برای حفظ محیط زیست نسبت به مفهوم ضرر یا خسارت واردبر محیط زیست ضروری بنظر می رسد.

منابع

۱. آخوندی، محمود (۱۳۶۸)، آئین دادرسی کیفری جلد دوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
۲. فردین، مینا؛ میلانی، علیرضا؛ بیرانوند، مسعود؛ و متین راسخ، مجید (۱۳۹۹)، بررسی چالش های پیشگیری اجتماعی؛ مطالعه موردی جرایم و آلودگی های زیست محیطی. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای). 10(2-2), 719-732.
۳. حاجی قاسمی اردبیلی، محمد؛ و میلانی، علیرضا (۱۳۹۸)، نقدی بر رویکرد نظام کیفری ایران درقبال جرایم علیه محیط زیست (جغرافیای انسانی) با نگاهی بر کنوانسیون های بین المللی. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای). 10(1-1), 329-344.

۴. خیری، محمد (۱۳۹۷)، سازمان‌های مردم‌نهاد و مدیریت مشارکت محور: با تاکید بر ارائه مدلی غیر بوروکراتیک برای مدیریت مالی و جغرافیایی بحران‌های زیست محیطی کلانشهرهای ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای). 251-229, 8(2).
۵. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۸)، حقوق اداری ایران، مشهد: انتشارات توس، چاپ هشتم.
۶. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۱)، مباحثی از حقوق تجارت بین الملل، تهران: نشر دانش آموز، چاپ اول.
۷. امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۷۴)، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، تابستان.
۸. انتظاری نجف‌آبادی، علیرضا (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی، تهران: نشر مخاطب، چاپ اول.
۹. انصاری، مهدی؛ و کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲.
۱۰. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵)، مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۱۱. بنان، غلامعلی (۱۳۵۱). محیط زیست انسان و جلوگیری از آلودگی آن، تهران: انجمن علمی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی.
۱۲. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، *قواعد فقه*، جلد اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ص)، چاپ اول.
۱۳. پاتریس، ژوردن (۱۳۸۵). اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق: مجید ادیب، تهران: نشر میزان، چاپ دوم.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم.
۱۵. خوئینی، غفور؛ کرمی سعید (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی در انفال، نشریه دانش حقوق مدنی، سال سوم، شماره ۲.
۱۶. درودیان، حسنعلی (۱۳۷۶)، حقوق مدنی ۴، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۸. رضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۲)، حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره ۶۳.
۱۹. روش، کاترین (۱۳۹۱)، بایسته‌های حقوق محیط زیست، ترجمه و تحقیق: علی مشهدی، حسن خسروشاهی و زینب یوسفی، تهران: انتشارات خرسندی.

۹۲۰ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوازدهم، شماره دوم، بهار ۱۴۰۱

۲۰. زمانی، سید قاسم (۱۳۸۱)، توسعه مسئولیت بین المللی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۲.
۲۱. سلیمی، هادی (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی ناشی از خسارات زیست محیطی در حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۲۲. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۵)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، جلد اول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۳. شاه حسینی، عطیه؛ مشهدی، علی (۱۳۹۵)، جبران خسارات زیست محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۹، شماره ۵۵.
۲۴. شلتون، دینا و کیس، الکساندر (۱۳۸۹)، کتابچه قضائی حقوق محیط زیست، ترجمه: محسن عبداللهی، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۲۵. شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، حقوق مدنی، آثار قراردادها و تعهدات، تهران: نشر میزان.
۲۶. صفایی، سید حسین (۱۳۵۵)، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات.
۲۷. عمید، حسن (۱۳۶۲). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هجدهم.
۲۸. فهیمی، عزیزاله؛ مشهدی، علی (۱۳۹۳). حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات خرسندی.
۲۹. فهیمی، عزیزاله (۱۳۹۶)، ضرر در خسارت های زیست محیطی، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۱،
۳۰. فیروزی، نادر (۱۳۸۴)، حق بر محیط زیست، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۱. قوام، میرعظیم (۱۳۷۵)، حمایت کیفری از محیط زیست، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۳۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱)، وقایع حقوقی، تهران: نشر یلدا.
۳۳. لورر اس، میشل (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی، ترجمه: محمد اشتری، تهران: نشر حقوقدان، چاپ اول.
۳۴. معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ معین، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
۳۵. ولفروم، رودیگر (۱۳۸۱)، مسئولیت بین المللی مدنی در قبال خسارات زیست محیطی؛ وسیله ای برای اجرای قواعد حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه و تحقیق: نادر ساعد، فصلنامه محیط زیست، شماره ۳۷.
۳۶. وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۵)، مبانی مسئولیت قراردادی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۷. یونسکو (۱۹۸۸)، برنامه یونسکو در رابطه بشر و بیوسفر، ترجمه حسن بیگیزاده، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

38. Boyle, Alan (2014). Human Rights or Environmental Rights; A Reassessment, Edinburgh: University Press.
39. European Parliament and of the Council (2004). n214.
40. Ghestin, Jacques and Jourdain, Patrice (2001). Les effets de la responsabilité, LGDJ.
41. Knox, John (2009). Climate Change and Human Rights Law, 50 Va J. Int '1. L. 1.
42. Prieur, Michel (1996). Droit de l'environnement, Paris: Dalloz.
43. Sands, Philippe (2003). Principles of International Environmental Law, 2nd Edition.
44. Schwab, Aaron (2006). International Environmental Disputes (Contemporary World Issues), ABC-CLIO publishing